

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی - ایران

۰۶ فیبروری ۲۰۱۷

مزد حداقل سال ۱۳۹۶ نباید کمتر از ۴ میلیون تومان در ماه باشد!

افزایش مزد برای کارگران که هیچ چیزی جز توان کار خودشان ندارند، مبارزه ای است مستمر که علاوه بر تمامی سال در روزهای پایانی آن نمود مرگ و زندگی به خود می گیرد. چرا که شورای عالی کار به عنوان مرجع رسمی تعیین مزد هر ساله با فرمانی ضد کارگری سفره خانوار کارگری را مورد تعرضی بیشرمانه قرار می دهد و ابعاد و محتوای آن را تا آنجا که می تواند حقیرانه تر می سازد. آنان ابائی از این ندارند که اگر لازم باشد، حتی به کارگران بگویند که از این پس به جای مصرف "نان" باید "شلغم" بخورید. همان طور که چندی پیش نیز گفتند: چه اشکالی دارد که به جای گوشت اشکنه بخورید!

مزد معنی مشخصی دارد و از تعریف و قانونمندی خاصی که نسبت مستقیم با شرایط زندگی کارگر و مناسبات طبقه کارگر و سرمایه دار دارد، پیروی می کند. میانگین نرخ مزد برابر است با مجموع لوازمی که برای حفظ و بقای نسل کارگران در یک کشور معین با توجه به سطح معمول زندگی در آن کشور، کافی باشد. به تعبیر دیگر برای این که بتوانیم یک نرخ پایه برای تأمین هزینه های زندگی یک خانواده کارگری محاسبه کنیم، نیازمند آن هستیم که ابتداء ملزومات حیاتی که استمرار زندگی خانوار کارگری را دوام می بخشد به دست بیاوریم. سپس بر پایه آن ملزومات نرخ اجزای سبد هزینه زندگی خانواده ۴ نفره، واحد پولی را برای بهای این سبد مشخص می سازیم. باید توجه داشت که سبد هزینه زندگی علاوه بر هزینه های خوراک، پوشاک، مسکن، رفت و آمد، دارو و درمان باید هزینه های آموزش و فرهنگ، تفریح و مرخصی و مسافرت و دیگر نیازهای انسانی را بپوشاند. معادل پولی سبد هزینه زندگی باید پایه ای باشد که برای زمان و دوره ای مشخص (یک سال) میزان مزد را تعیین کند. بخش دیگر آن، شرایط ویژه ای است که تحت تأثیر نوسانات و بحران های نظام سرمایه داری، بر زندگی طبقه کارگر تأثیر می گذارد. یکی از این شرایط تورم است که با افزایش عمومی قیمت کالاها و ملزومات بر شمرده شده، میزان توانائی خرید کارگر را کاهش می دهد. در این صورت، یعنی هنگامی که سایه تورم اقتصاد بیمار سرمایه داری بر زندگی طبقه کارگر گسترش می یابد، ضروری است که میزان تورم نیز محاسبه گردد و به حداقل هزینه سبد زندگی خانواده کارگر به همان نسبت افزوده گردد. اما حکومت های سرمایه داری و نمایندگان سیاسی آنها (دولت، مجلس، ارگان ها و سازمان های متعلق به کارفرمایان و تشکل های زرد کارگری) همان گونه که قوانین و ترفندهائی برای کاهش هزینه های تولید و پائین نگه

داشتن سطح مرزها اعمال می کنند، برای افزایش سودآوری سرمایه نیز شگردهائی دارند. از جمله این شگردها افزایش ساعات کار و همچنین افزایش بارآوری. کار از طریق استفاده از تکنولوژی و استفاده از ماشین آلات تولیدی پیشرفته می باشد. این بخش از روند افزایش تولید که به افزایش سود سرمایه منجر می گردد، مؤلفه مهمی است که باید در افزایش نرخ حداقل مزد مورد ملاحظه قرار گیرد. افزایش بارآوری کار را ما در صنایع بزرگ از جمله صنایع نفت، ملی حفاری، صنایع فولاد، صنایع خودرو سازی و ماشین سازی، اداره بنادر و لنگرگاه ها در زمینه تخلیه و بارگیری، مدرنیزه کردن بسیاری از مراکز خدماتی از جمله پست و تیلیفون وغیره و همچنین مراکز مکانیزه کشاورزی، در همین شرایط اقتصادی حاکم شاهد هستیم. پس با این تعاریف، نرخ حداقل مزد باید براساس هزینه یک خانواده ۴ نفره شهری، متناسب با افزایش تورم و رشد بارآوری کار محاسبه گردد.

از نظر ما تنها مرجع برای محاسبه و تعیین مزد حداقل خود طبقه کارگر، نمایندگان واقعی طبقه کارگر می باشند که از درون یک مبارزه اقتصادی، سیاسی و تشکیلاتی، لیاقت احراز نمایندگی طبقه کارگر را کسب کرده باشند. بر همین اساس در اسفند [حوت] سال ۹۴ سیزده تشکل فعالان کارگری پس از محاسبه و به کارگیری آمار کارشناسی از هزینه های زندگی خانواده کارگری و محاسبه نرخ تورم در سال ۱۳۹۵ (گرچه با تعاریف متفاوت) مزد حداقل برای سال ۹۵ را معادل سه میلیون و پانصد هزار تومان در ماه محاسبه کردند. تعیین معیار و محاسبه مبلغ فوق برای مزد حداقل در نوع خود پیشرفت قابل ملاحظه ای بود که پس از سال ۱۳۵۸ تاکنون تشکل های کارگری بر روی آن توافق کردند. به همین دلیل و با تعیین همان معیار، مزد حداقل سال ۱۳۹۶ باید بر مبنای سه میلیون و پانصد هزار تومان به اضافه نرخ تورم قابل انتظار در سال ۹۶ محاسبه گردد. هنوز آمار رسمی از سوی دولت و مراجع رسمی جمهوری اسلامی در باره نرخ تورم سال ۱۳۹۵ و یا نرخ تورم قابل انتظار در سال ۹۶ اعلام نشده است. تخمین صندوق بین المللی پول برای تورم ایران در سال ۲۰۱۶-۲۰۱۷ معادل ۹٪ و برای ۲۰۱۸-۲۰۱۷ برابر ۱۱٪ اعلام شده است. بدین سان می توان گفت که تخمین نرخ تورم ایران در سال آینده از نظر صندوق بین المللی پول، که البته تخمینی خوش بینانه است، حداقل به ۱۰٪ می رسد

نکته ای که باید در نظر داشت این است که بر اساس تحقیقات صورت گرفته در ایران نرخ تورم دهک های پائین درآمدی به طور متوسط بین ۱/۵ تا ۲ واحد درصدی از نرخ تورم اعلام شده که متوسط نرخ تورم متوسط را نشان می دهد بالاتر است. بدین سان حتی اگر تخمین ۱۰٪ برای متوسط نرخ تورم در سال ۹۵ یا ۹۶ درست باشد برای این که نرخ تورم خانوار کارگری را محاسبه کنیم باید به جای ۱۰٪ رقم ۱۲٪ را در نظر بگیریم. بر این اساس برای دادن تخمینی و یا مبنائی برای مزد حداقل در سال ۱۳۹۶ باید ۱۲٪ به سه و نیم میلیون تومان در ماه (رقمی که برای سال ۱۳۹۵ محاسبه شده بود) افزوده شود. در نتیجه مبنای مزد حداقل در سال ۹۶ برای خانواده ای که عده اعضای آن به طور متوسط ۳/۴ فرض شده حدود ۴ میلیون تومان در ماه خواهد شد. روشن است که برای خانوار شهری ۴ نفره، هزینه ماهانه از این هم باید بیشتر است. در یک کلام برای تأمین هزینه متوسط زندگی یک خانوار شهری ۴ نفره در سال ۹۶ مزد حداقل نمی تواند از ۴ میلیون تومان در ماه کمتر باشد.

تعیین مزد خانوار کارگری امر و وظیفه خود طبقه کارگر و به طبع آن امر تشکل های واقعی کارگران و پیشروان طبقه کارگر و کارگران آگاه می باشد. "شورای عالی کار" به هیچ وجه صلاحیت تعیین حداقل مزد کارگران را ندارد چرا که ترکیب فرمایشی این مرجع را نمایندگان سرمایه داران و کارفرمایان تشکیل می دهند و همان گونه که ما کارگران سال هاست شاهدیم، دستپخت این حضرات تحمیل مزد حداقلی یک چهارم زیر خط فقر و به عبارت دیگر تحمیل مرگ تدریجی برای کارگران ایران می باشد که بی تردید در سال ۹۶ نیز همین سرنوشت را برای ما رقم

خواهند زد. خشنود بودن به این که شورای عالی کار هر چه سریع تر تشکیل جلسه بدهد و حداقل مزد را مطابق معمول هر ساله بچلاند، گلی به سر ما نخواهد زد.

نکته مهمی که در اینجا باید بدان توجه داشت، توهم نسبت به ماده ۴۱ قانون کار است. برخی از به اصطلاح مدافعان جنبش مستقل کارگری تصور می کنند که می توان براساس این ماده (و بندهای ۱ و ۲ آن) حداقل قابل قبولی به دست آورد. از این رو شعار و تلاش مبارزاتی خود را بر اجرای این ماده از سوی مسئولان دولتی و کارفرمایان متمرکز می کنند. افزایش مزد به تناسب تورم (بند ۱) ، به مزدی منجر می شود که چهار بار از هزینه متوسط یک خانوار شهری کمتر است. حتی اگر مزد حداقل و به طور کلی سطح مزد همه کارگران به نسبتی معادل چند برابر نرخ تورم افزایش یابد باز هم هزینه متوسط یک خانوار کارگری را نخواهد پوشاند. این که مزد به اندازه ای باشد «تا زندگی يك خانواده، که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می شود را تأمین نماید» (بند ۲) بسیار مبهم است و مانند تمام قوانین سرمایه داران به شیوه های مختلف قابل تأویل و تفسیر است و اساساً برای فریب و تحمیق کارگران بیان شده است. باید پرسید تأمین یک زندگی یعنی چه؟ معیار این تأمین چیست؟

باید از طرفداران این ماده، چه اعضای شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر و چه برخی فعالان کارگری مستقل و سازمان های مدافع طبقه کارگر که هنوز نسبت به ماده ۴۱ توهم دارند پرسید در طی چند دهه گذشته آیا هرگز در مذاکرات مزد (چه مذاکرات سالانه و چه مذاکراتی که به دنبال اعتصابات و اعتراضات ممکن است انجام شده باشد) به بند ۲ این ماده استناد شده و آیا هرگز «سبب معیشت خانوار کارگری» در چنین مذاکراتی مورد بحث قرار گرفته است؟ اصولاً آیا سبب معیشتی کارگران که مورد توافق باشد وجود دارد؟ چنین سببی – در صورت وجود – چگونه و بر اساس کدام ارزیابی علمی، اجتماعی و اقتصادی، کدام صلاحیت و کدام نمایندگی در ایران تعیین و محاسبه شده است؟ می بینیم که هم بند اول و هم بند دوم ماده ۴۱ قانون کار جمهوری اسلامی هر دو فریبکارانه، یا در هوا و ضد کارگری اند. مزد حداقل (که مبنای تمامی مزدهاست) با توجه به مبلغ سه و نیم میلیون تومان که سال گذشته از سوی تشکل ها و فعالان کارگری اعلام شد، برای سال ۹۶ به میزان ۴ میلیون تومان در ماه می رسد. مزد حداقل به این میزان (۴ میلیون تومان در ماه) باید محور مبارزه افزایش مزد کارگران قرار گیرد و در کنار عرصه های سیاسی – اجتماعی – نظری و فرهنگی ، مبارزه طبقاتی کارگران را تمامیت بخشد. از آن جا که مشکل زندگی کارگران علاوه بر مزد پائین، بیکاری، بی حقوقی، تبعیض جنسی، ملی و دینی هم هست، مبارزه برای افزایش مزد باید با مبارزه برای بهبود شرایط کار، مبارزه برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری، مبارزه برای آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی، مبارزه برای آزادی بیان و گردهمائی، حق اعتصاب و منع دخالت نیروهای انتظامی و امنیتی در محیط کار و مسایل کارگری، همراه باشد.

مبارزه برای افزایش واقعی مزد حداقل، یک عرصه مهم مبارزه اقتصادی است، که با اتحاد تمامی کارگران در همه حرفه ها و فعالیت ها، با مبارزه مصممانه می تواند به نتیجه برسد و راه را برای مبارزات دیگر هموار سازد. همان گونه که شرکت در عرصه های دیگر مبارزه، به ویژه در عرصه سیاسی توان کارگران را برای پیشبرد مبارزات اقتصادی و اجتماعی، بیشتر خواهد کرد.

کارگران پروژه های پارس جنوبی

جمعی از کارگران پتروشیمی های منطقه ماهشهر و بندر امام

فعالان کارگری جنوب

جمعی از کارگران محور تهران – کرج

فعالان کارگری شوش و اندیمشک
بهمن [دلو] ۱۳۹۵